



فصلنامه علمی پژوهشی
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت
سال چهارم / شماره ۱۶ / زمستان ۱۳۹۴

رویدادکاوی الزامات کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی با تاکید بر نقش کمیته حسابرسی

آمنه بذرافشان

دانشجوی دکتری حسابداری دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)
Bazrafshan_63@yahoo.com

رضوان حجازی

استاد، دانشگاه الزهرا

علی رحمانی

دانشیار، دانشگاه الزهرا

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۱۴ تاریخ پذیرش: ۹۴/۱/۲۷

چکیده

هدف از انجام این مطالعه رویدادکاوی الزامات کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی با تاکید بر نقش کمیته حسابرسی است. در مطالعات رویدادکاوی، برای به حداقل رساندن اثر سایر رویدادها، تاثیر یک رویداد در یک بازه زمانی کوتاه قبل و بعد از رخ-داد رویداد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این راستا، پژوهش حاضر، تاثیر تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی و همچنین تشکیل کمیته‌های حسابرسی بر تحقق اهداف مالی مندرج در دستورالعمل مزبور، شامل قابل اتکا بودن، مربوط بودن و به موقع بودن را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج حاصل از بررسی ۲۰۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱ نشان می‌دهد که تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی موجب بهبود قابل اتکا بودن و به موقع بودن گزارشگری مالی شده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد تشکیل کمیته حسابرسی موجب افزایش قابل اتکا بودن و به موقع بودن می‌گردد. با این حال تصویب دستورالعمل و نیز تشکیل کمیته حسابرسی، تاثیر معنی‌داری در مربوط بودن گزارشگری مالی نداشته است. در نهایت، اثر مثبت تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی و تشکیل کمیته‌های حسابرسی از طریق معیار ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی مورد آنالیز حساسیت قرار گرفته است. علاوه بر نتایج بالا، یافته‌های مرتبط با تحلیل مسیر و بارهای عاملی حاکی از آن است که در شرکت‌های فاقد کمیته حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر به بهای کاهش مربوط بودن قابل دستیابی می‌باشد در حالی که در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر، بدون صرف‌نظر کردن از مربوط بودن قابل دستیابی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کمیته حسابرسی، قابلیت اتکا، مربوط بودن، به موقع بودن، کنترل‌های داخلی.

۱- مقدمه

استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش می‌باشد، مطابق با ماده ۱۰، شرکت‌ها باید کمیته حسابرسی را زیر نظر هیئت‌مدیره مطابق با ضوابط سازمان تشکیل دهند. اعضای کمیته حسابرسی باید متشکل از سه تا پنج نفر و اکثریت آن‌ها مستقل و دارای تخصص مالی باشند. ریاست کمیته با عضو مستقل یا عضو مالی غیرموظف هیئت‌مدیره است.

بر اساس اطلاعات سایت کدال سازمان بورس، شرکت‌ها از تاریخ مزبور اقداماتی از قبیل تشکیل کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی را آغاز نموده‌اند. یکی از اهداف اصلی این دستورالعمل (و همچنین یکی از اهداف اصلی تشکیل کمیته های حسابرسی الزامی شده توسط آن دستورالعمل) حصول اطمینان از کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد. کمیته حسابرسی از طریق نظارت بر روند گزارشگری مالی، شامل سیستم کنترل داخلی و استفاده از اصول پذیرفته شده حسابداری و نیز نظارت بر عملکرد حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی، موجب می‌شود که اشتباهات عمدی و سهوی در اندازه‌گیری‌های حسابداری و افشای موارد بااهمیت مالی و نیز کلاهبرداری و اعمال غیرقانونی مدیریت کاهش یابد. اعتقاد بر این است که وجود کمیته حسابرسی به ایجاد ارتباط مناسب بین هیأت مدیره شرکت، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی کمک می‌کند. این کمیته می‌تواند بر مدیریت ارشد شرکت نظارت کرده و به عنوان عاملی بازدارنده در جلوگیری از عدم رعایت کنترل‌های داخلی توسط مدیریت نقش موثری ایفا نماید (رحیمیان و توکل‌نیا، ۱۳۹۰).

علی‌رغم نقاط قوت الزامات یادشده، برخی متخصصین نقدهای مختلفی به این دستورالعمل به ویژه الزامات کمیته حسابرسی وارد نموده‌اند. بعلاوه، در فضای تحقیقات علمی گرچه ممکن است انتظار بر این باشد که وجود کمیته حسابرسی و با کیفیت تر منجر به بهبود فرآیند گزارشگری مالی می‌شود ولی واقعیت این است که ادبیات موجود همگی به چنین نتیجه‌ای دست نیافته‌اند. به عنوان مثال، علی‌رغم یافته‌های تحقیقات فلو و همکاران (۲۰۰۳)، دیویدسون و همکاران (۲۰۰۴)، برانسون و همکاران (۲۰۰۹)، کمارودین (۲۰۱۲)، ابرناتی (۲۰۱۳) و ... که حاکی از اثرات مثبت وجود کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی، هزینه سرمایه، محتوای اطلاعاتی، دقت و صحت پیش‌بینی تحلیلگران است؛ ژی (۲۰۰۳)، اسماعیل و همکاران (۲۰۰۸)، رینس بری و همکاران (۲۰۰۹) و ریچ (۲۰۰۹) شواهدی در این خصوص مشاهده نکردند.

رسوایی‌های مالی اخیر در آمریکا، اروپا و ایران اعتماد سرمایه‌گذاران و عموم جامعه به بازارهای مالی را خدشه دار نمود. این امر نیاز به اجرای ساز و کارهای بهبود گزارشگری مالی را ملموس تر ساخت و منجر به تقاضای بیشتری در خصوص شفافیت بیشتر در اطلاع‌رسانی و گزارشگری مالی شرکت‌ها گردید. در این میان، کنترل‌های داخلی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد برای پاسخگویی به این تقاضا مورد توجه خاص قرار گرفت. کنترل‌های داخلی اثر بخش، یکی از ابزارهای مهم اطمینان‌دهی از حفظ منافع سرمایه‌گذاران و نیز هدایت اثر بخش و کارای واحدهای اقتصادی است. به بیان دیگر وجود کنترل‌های داخلی اثر بخش از یک سو سبب اطمینان‌دهی از حفظ منافع سرمایه‌گذاران می‌شود و به عبارتی نوعی ابزار نظارتی محسوب می‌شود و از دیگر سو به عنوان یک ابزار مدیریتی مهم جهت راهبری شرکت در جهت کارایی و اثربخشی عملیاتی و نیز تحویل اهداف مدنظر آنان تلقی می‌شود (گوش و همکاران، ۲۰۱۰).

به این ترتیب به دنبال تغییرات بنیادین گسترده در حوزه نظارت بر شرکت‌ها و بازار سرمایه، کنگره آمریکا نیز اقدام به تصویب قانون ساربینزاکسلی در سال ۲۰۰۲ نمود. بخش ۴۰۴ این قانون، شرکت‌ها و مدیران آنها را ملزم به ارزیابی اثربخشی کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و افشای کنترل‌ها و ارائه ارزیابی‌های ادواری حسابرس از اثربخشی کنترل‌ها نموده است. بعلاوه، کشورهای دیگر از قبیل ژاپن، کانادا، انگلیس، اسپانیا، برخی از کشورهای آسیای جنوب شرقی و ... اقدام به تدوین الزامات مشابه نموده‌اند.

به دنبال رسوایی مالی اخیر رخ داده در ایران نیز، سازمان بورس و اوراق بهادار در راستای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران، پیشگیری از وقوع تخلفات و نیز ساماندهی و توسعه بازار شفاف و منصفانه اوراق بهادار، دستورالعمل کنترل‌های داخلی را در اردیبهشت ماه سال ۹۱ به تصویب رساند که از همان تاریخ برای ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران الزامی است.

مطابق دستورالعمل کنترل‌های داخلی، هیئت مدیره مکلف است نسبت به استقرار و به‌کارگیری کنترل‌های داخلی مناسب و اثربخش بمنظور دستیابی به اهداف شرکت، اطمینان حاصل نماید. سیستم کنترل‌های داخلی باید در برگیرنده سیاستها، رویه‌ها، وظایف، فعالیت‌ها و سایر جنبه‌هایی باشد که در مجموع، به حصول اطمینان معقول از محافظت از دارایی‌ها، کارا و اثر بخش بودن عملیات شرکت، رعایت قوانین و مقررات و در نهایت حصول اطمینان معقول از کیفیت گزارشگری مالی کمک نماید. از آنجا که تشکیل کمیته حسابرسی، پیش‌نیاز

لزام الاجرا طراحی می‌شود و توسط مدیران و کارکنان سازمان به اجرا در می‌آید (کوزو، ۱۹۹۲). سیستم کنترل‌های داخلی هر شرکت با توجه به اندازه و نوع فعالیت آن متفاوت است، اما این سیستم در هر شرکت باید به گونه‌ای طراحی، مستقر، اجرا و مستندسازی شود که دربرگیرنده‌ی تمام اجزای محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، فعالیت‌های کنترلی، اطلاعات و ارتباطات، و نظارت باشد. مطابق با دستورالعمل کنترل‌های داخلی مصوب سازمان بورس اوراق بهادار، سیستم کنترل‌های داخلی باید در برگیرنده‌ی سیاستها، رویه‌ها، وظایف، فعالیت‌ها و سایر جنبه‌هایی باشد که در مجموع، به حصول اطمینان معقول از محافظت از دارایی‌ها، کارا و اثر بخش بودن عملیات شرکت، رعایت قوانین و مقررات و در نهایت حصول اطمینان معقول از کیفیت گزارشگری مالی کمک نماید (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱). بنابراین هدف الزامات کنترل‌های داخلی حصول اطمینان نسبت به سه بعد کارایی و اثربخشی عملیات، کیفیت گزارشگری مالی و رعایت قوانین و مقررات می‌باشد. با این وجود در این میان، هدف گزارشگری مالی جایگاه ویژه‌ای دارد و در خود الزامات نیز مورد تاکید قرار گرفته است. این تاکید به این سبب است که چنانچه اطلاعات با کیفیت به فعالان بازار ارایه گردد و شفافیت اطلاعاتی افزایش یابد، خود فعالان بازار می‌توانند دو بعد دیگر (کارایی و اثربخشی عملیات و همچنین رعایت قوانین و مقررات) را مورد نظارت و پیگیری قرار دهند. از همین رو در تمامی کشورهایی که اقدام به تدوین الزامات کنترل‌های داخلی نمودند و همچنین در ایران، گزارش کنترل‌های داخلی که شرکت‌های بورسی باید تهیه نمایند و همچنین گزارش حسابرسان متمرکز بر کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی هستند. طبق ماده ۱۱ دستورالعمل کنترل‌های داخلی، کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، شامل سیاستها، رویه‌ها و اقداماتی است که حداقل در خصوص نگهداری مستندات مناسب در خصوص معاملات و رویدادهای حاکم بر گزارشگری مالی، ثبت و گزارشگری کلیه معاملات و رویدادهای مالی طبق استانداردهای حسابداری، افشای مناسب و کامل اطلاعات اشخاص وابسته طبق استانداردهای حسابداری، منطقی بودن اطلاعات مالی پیش‌بینی شده، افشای فوری اطلاعات مهم طبق دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات، پیشگیری و کشف به موقع تقلب‌ها و سایر تحریف‌های بااهمیت در گزارشگری مالی و بطور خلاصه تهیه صورت‌های مالی شرکت اصلی و تلفیقی مطابق با استانداردهای حسابداری و ضوابط لازم الاجرا اطمینان معقول ایجاد می‌نماید (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱). لذا به طور خلاصه، انتظار می‌رود هرچه کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی بهبود یابد،

بنابراین با توجه به اهمیت و منافع وجود کمیته های حسابرسی با کیفیت در سازمان ها و ابهام و سردرگمی در یافته‌های مطالعات پیرامون اثربخشی کمیته ها، بررسی این موضوع به منظور روشن نمودن آثار مثبت یا منفی تشکیل چنین کمیته هایی ضروری به نظر می رسد. بطور کلی، انگیزه محقق از انجام این تحقیق، با توجه به نوظهور بودن و تجربه اندک بحث کنترل های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و کمیته های حسابرسی در کشور، بررسی آثار مزبور جهت بهبود و اصلاح مقررات مرتبط می‌باشد. با توجه به آن که دستورالعمل کنترل های داخلی به صورت تجربی آزمون نشده و بازخورد خاصی را دریافت نکرده است، نتایج این تحقیق می تواند موجب تکمیل و بهبود دستورالعمل و سایر مقررات مرتبط گردد. محقق انتظار دارد با استقرار کمیته حسابرسی اثربخش، کیفیت گزارشگری مالی بهبود یابد. در این راستا این تحقیق با بکارگیری روش شناسی رویدادکاوی اقدام به بررسی تحقق اهداف الزامات کنترل های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی می نماید. با توجه به مفاد دستورالعمل، در این تحقیق، از مفاهیم قابل اتکا بودن، مربوط بودن و به موقع بودن به عنوان شاخصی از کیفیت گزارشگری مالی استفاده شده است.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

همانگونه که قبلاً به آن اشاره شد فروپاشی‌های مالی اخیر در جهان، اعتماد سرمایه گذاران و عموم جامعه به بازارهای مالی را خدشه دار نمود. در این میان، کنترل های داخلی به عنوان یکی از ابزارهای کارآمد جهت بهبود گزارشگری مالی و شفافیت بیشتر در اطلاع رسانی و گزارشگری مالی شرکت ها مورد توجه خاص قرار گرفت چراکه عنوان می شد عامل بسیاری از گزارشات متقربانه، کنترل های داخلی ضعیف است (ریچ، ۲۰۰۹). اعتقاد بر این است که کنترل‌های داخلی اثر بخش به عنوان یک ابزار نظارتی و مدیریتی می تواند از یک سو موجب افزایش اطمینان صاحبان و ذی‌نفعان شرکت از حرکت در مسیر اهداف غایی شود و از دیگر سو موجب افزایش توانایی مدیران در دستیابی به اهداف و کاهش ریسک آنان در خصوص مسئولیت های قانونی گردد. مهم‌ترین و معروف‌ترین سیستم های کنترل داخلی، چارچوب طرح شده از سوی کمیته سازمان‌های مسوول کمیسیون تردوی ملقب به کوزو است. طبق تعریف ارائه شده در این چارچوب، کنترل داخلی فرآیندی است که برای فراهم کردن اطمینان معقول از دستیابی به سه گروه اهداف (الف) اثربخشی و کارایی عملیات، (ب) اتکاپذیری گزارشگری مالی، و (ج) رعایت قوانین و مقررات

کیفیت گزارشگری مالی نیز بهبود یابد. اگرچه بهبود کامل کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی امری بلندمدت و مستمر می‌باشد، لکن انتظار می‌رود همین اولین گام در حرکت به سوی بهبود کنترل‌ها، باعث تغییر در کیفیت گزارشگری مالی شود. به ویژه آن‌که مطابق با بررسی‌های انجام شده، بسیاری از شرکت‌های بزرگ اقدام به تشکیل کمیته‌های حسابرسی که یکی از اصلی‌ترین ابزار بهبود کنترل‌ها می‌باشد، نموده‌اند.

تأثیر کنترل‌های داخلی و به ویژه وجود کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی از طریق تئوری نمایندگی توضیح داده می‌شود. رابطه نمایندگی، می‌تواند به عنوان یک فرایند قراردادی تعریف شود که به موجب آن مالکان برخی از اختیارات و مسئولیت‌های خود را به یک تیم متخصص تفویض کرده و از آنها انتظار دارند که تخصص خود را در جهت کسب بهترین منافع و نیز موفقیت عملیاتی شرکت بکار برند. ایده اصلی این تئوری این است که تضاد منافع بین مالک و مدیریت وجود دارد. اعتقاد بر این است که دو علت اصلی مشکلات نمایندگی، تضاد منافع و نگرش‌های مختلف مالک و مدیریت نسبت به ریسک است. این تضاد از عدم تقارن اطلاعات بین مالکان و مدیران ناشی می‌شود. برای هدف پاسخگویی، تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های مدیریت نیاز به نظارت دارد. نظارت نزدیک زمانی ممکن است که مالکان خودشان به طور فعال بتوانند در این فرایند نظارت مشارکت کنند. با این حال، به دلیل هزینه‌های بالا و در برخی از موارد به دلیل فقدان تخصص و دانش، آنها نمی‌توانند فعالانه در این فرایند درگیر شوند. با این حال، هیئت مدیره مجبور است مکانیزم‌های نظارتی را به دلیل تعهدی که در قبال سهامداران دارد طراحی و مستقر کند (جانسون و همکاران، ۱۹۹۶). دی زورت و همکاران (۲۰۰۲) استدلال می‌کنند که به منظور مقابله با مشکل ناشی از رابطه نمایندگی، هیئت مدیره مجبور به تقبل نقش نظارتی نظارت مدیر عامل و مدیران دیگر، تصویب استراتژی‌های شرکت و ارزیابی سیستم کنترل‌های داخلی است. هیئت مدیره معمولاً یک مجموعه کارشناس و متخصص برای نظارت بر فعالیتهای مدیریت به نمایندگی خود استخدام می‌کند. کمیته حسابرسی یک کمیته فرعی تحت چارچوب حاکمیت شرکتی است که در آن هیئت مدیره برخی از مسئولیت‌های نظارتی را بر آن محول می‌کند. دی (۲۰۰۸) نشان داد سطح و شدت مشکل نمایندگی در آن دسته از شرکت‌هایی که در آن کمیته‌های حسابرسی از لحاظ ترکیب و عملکرد موثرتر است کمتر می‌باشد.

بنابراین بطور کلی می‌توان گفت، سهامداران به خاطر محدودیت ساختار حاکمیت شرکتی و سایر محدودیتها، قادر به نظارت و کنترل مدیر نیستند. مدیر نیز به منظور ایفای نقش مباشرتی خود، نیازمند گواهی حسابرسان است. از طرف دیگر، کارایی، اثربخشی و استقلال حسابرس مستلزم نهاد دیگری مانند کمیته حسابرسی است. در واقع، سهامداران از طریق سازوکار تعیین هیئت مدیره شرکت، به صورت غیرمستقیم بر عملکرد مدیر نظارت می‌کنند و مدیر با تایید و ارزیابی حسابرس به ایفای مسئولیت پاسخگویی عملکرد خود می‌پردازد. در نهایت، کمیته حسابرسی است که به ایجاد ارتباط مناسب بین هیئت مدیره، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی شرکت کمک می‌کند. این کمیته می‌تواند بر مدیریت ارشد شرکت نظارت کند و به عنوان بازدارنده مدیریت از زیر پا گذاشتن کنترل‌های داخلی، نقش موثری ایفا کند. کمیته حسابرسی اثربخش، به عنوان عاملی تعیین‌کننده در روند گزارشگری مالی، موجب افزایش اعتبار صورت‌های مالی حسابرسی شده می‌شود. اعضای این کمیته با هیئت مدیره که مسئول حفظ منافع سهامداران است همکاری کرده و بر کیفیت و مطلوبیت صورت‌های مالی، حسابداری، حسابرسی، کنترل داخلی و فرایند گزارشگری نظارت می‌کند. برقراری ارتباط حسابرسان، کمیته‌های حسابرسی و هیئت مدیره موجب افزایش جریان اطلاعات سودمند، اثربخش و آگاهی‌دهنده می‌شود. این امر به تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران کمک کرده و افزایش پاسخگویی در مقابل سهامداران را نیز در پی خواهد داشت (محمدیان، ۱۳۹۰).

در این راستا، طبق منشور کمیته حسابرسی، سازمان بورس اوراق بهادار هدف از تشکیل کمیته حسابرسی را کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت‌مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، سلامت گزارشگری مالی، اثربخشی حسابرسی داخلی، استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و رعایت قوانین، مقررات و الزامات عنوان نموده است (سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

بنابراین یک کمیته اثربخش، مشکل نمایندگی را با حداقل نمودن عدم تقارن اطلاعات بین مالکان و مدیران تعدیل می‌کند و همچنین با انجام اثربخش برخی از وظایف خود از قبیل نظارت بر معاملات با اشخاص وابسته به حفظ منافع سهامداران و سایر ذینفعان کمک می‌کند. خروجی‌های اصلی کمیته اثربخش عبارتند از (الف) اطلاعات مالی قابل اتکاتر (ب) اطلاعات مالی مربوط تر و (ج) اطلاعات مالی به موقع تر. تمام

این خروجی‌ها در نهایت منجر به حداکثر کردن ارزش شرکت در بلندمدت می‌شود که هدف غایی هر بنگاه تجاری است.

نتایج برخی از تحقیقات مرتبط با وجود کمیته حسابرسی، از رابطه مثبت بین استقرار کمیته حسابرسی و کیفیت گزارشگری مالی حکایت دارد. به عنوان مثال یافته‌ها نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که دارای کمیته حسابرسی هستند احتمال دستکاری سود کمتر (دیچاو و همکاران، ۱۹۹۶)، گزارش‌های مالی قابل اتکاتر (باکستر و کاتر، ۲۰۰۹)، احتمال افشای باطل‌بانه بیشتر (هو و وونگ، ۲۰۰۱) اقلام تعهدی غیرعادی کمتر (پائوت و جانین، ۲۰۰۷) ضریب واکنش سود بیشتر (چن و همکاران، ۲۰۰۸) و تجدیدارائه صورت‌های مالی کمتر (لاری و تیلور، ۲۰۱۲) است.

نتایج مطالعه برابوتا و ژو (۲۰۰۶) حاکی از آن است که وجود کمیته‌های حسابرسی اثربخش بعد از الزامات ساربینز-اکسلی منجر به کاهش مدیریت سود شده است. دالیوال و همکاران (۲۰۱۰) مشاهده کردند کیفیت کمیته حسابرسی، کیفیت اقلام تعهدی را بعد از تصویب قانون ساربینز-اکسلی افزایش می‌دهد. کریشنان و همکاران (۲۰۱۱) با بهره‌گیری از دو معیار کیفیت گزارشگری مالی-کیفیت اقلام تعهدی و اقلام تعهدی اختیاری- برای نمونه ای مشتمل بر ۱۰۰۰ شرکت روسی در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ دریافتند تاثیر مثبت کمیته حسابرسی بعد از تصویب قانون در مقایسه با قبل آن بیشتر است. چانگ و سان (۲۰۰۹) دریافتند که مفاد قانون ساربینز-اکسلی، اثربخشی کمیته حسابرسی و سایر کارکرد های حاکمیت شرکتی را در نظارت بر کیفیت سود شرکت‌های خارجی پذیرفته شده در بورس بهبود می‌دهد.

با این وجود تعدادی از محققان اظهار داشته‌اند که وجود کمیته حسابرسی لزوماً به کیفیت گزارشگری مالی بهتر منجر نمی‌شود (منون و ویلیامز، ۱۹۹۴). بعلاوه فورکر (۱۹۹۲) در آمریکا و دیویدسون و همکاران (۲۰۰۴) و هی و همکاران (۲۰۰۷) در استرالیا یک رابطه بی معنی بین وجود کمیته حسابرسی و کیفیت افشا مشاهده نمودند. بریک و چیدامباران (۲۰۱۰) دریافتند فعالیت نظارتی کمیته حسابرسی تاثیر منفی بر ارزش شرکت دارد. با این وجود نتایج در زیردوره‌ها حاکی از یک تاثیر مثبت بر ارزش شرکت برای دوره قبل از قانون ساربینز-اکسلی اما یک تاثیر منفی (بی معنی) بعد از قانون دارد. گوش و همکاران (۲۰۱۰) بررسی نمودند آیا ویژگی‌های هیات مدیره و کمیته حسابرسی قبل و بعد از تصویب قانون ساربینز-اکسلی با مدیریت سود ارتباط دارد. آنها با بهره‌گیری از قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری، اقلام خاص و هزینه مالیات معوق به عنوان سازه‌های متفاوت مدیریت سود دریافتند که اندازه، دوره تصدی و فعالیت کمیته حسابرسی با مدیریت سود

رابطه دارد. از آن مهمتر اینکه شدت رابطه در سال‌های بعد از ساربینز-اکسلی در مقایسه با سال‌های قبل از آن ضعیف تر است.

۳- فرضیه‌های پژوهش

همانگونه که قبلاً نیز به آن اشاره شد با استقرار کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، اهداف آن که شامل قابل اتکا بودن، مربوط بودن و به موقع بودن می‌باشد برآورده می‌شود. به این ترتیب فرضیات تحقیق به شرح زیر تدوین می‌گردد:

۱) بین میزان قابل اتکا بودن قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۲) بین میزان مربوط بودن قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۳) بین میزان به موقع بودن قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۴) بین میزان قابل اتکا بودن شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی و شرکت‌های فاقد کمیته حسابرسی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۵) بین میزان مربوط بودن شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی و شرکت‌های فاقد کمیته حسابرسی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۶) بین میزان به موقع بودن شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی و شرکت‌های فاقد کمیته حسابرسی، تفاوت معنی داری وجود دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش به لحاظ جمع‌آوری داده‌ها تحقیقی توصیفی و از دیدگاه تقسیم بندی تحقیقات بر حسب هدف تحقیقی کاربردی است چراکه که نتایج حاصل از آن می‌تواند برای طیف گسترده‌ای از فعالان بازار سرمایه نظیر سهامداران، حساب‌رسان، سازمان بورس اوراق بهادار و غیره سودمند باشد. با توجه به هدف این تحقیق، با بهره‌گیری از روش رویدادکاوی از آزمون مقایسه زوجی جهت آزمون سه فرضیه اول و آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل جهت آزمون سه فرضیه دوم استفاده شده است. در مطالعات رویدادکاوی، برای به حداقل رساندن اثر سایر رویدادها، تاثیر یک رویداد در یک بازه زمانی کوتاه قبل و بعد از رخداد رویداد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در انتها، برای انجام آنالیز حساسیت از تحلیل مسیر و بارهای عاملی بهره‌گرفته شده است.

جامعه آماری این تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار ایران می‌باشد. شرکت‌هایی به عنوان

خواهیم برد. در این راستا ابتدا مدل رگرسیونی ۱ را به صورت مقطعی برآورد خواهیم نمود. سپس برآوردهای حاصل از مدل ۱ را در مدل ۲ بکار خواهیم بست تا اقلام تعهدی نرمال (غیراختیاری) حاصل آید. در انتها جهت محاسبه اقلام تعهدی اختیاری، اقلام تعهدی نرمال را از کل اقلام تعهدی کسر خواهیم نمود.

$$\frac{TA_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} = \kappa_1 \frac{1}{Asset_{j,t-1}} + \kappa_2 \frac{\Delta Rev_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} + \kappa_3 \frac{PPE_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} + \varepsilon_{j,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$NA_{j,t} = \hat{\kappa}_1 \frac{1}{Asset_{j,t-1}} + \hat{\kappa}_2 \frac{(\Delta Rev_{j,t} - \Delta AR_{j,t})}{Asset_{j,t-1}} + \hat{\kappa}_3 \frac{PPE_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} \quad \text{مدل (۲)}$$

$$AA_{j,t} = \frac{TA_{j,t}}{Asset_{j,t-1}} - NA_{j,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

TA: کل اقلام تعهدی، ΔREV : تغییر در درآمدها، ΔAR : تغییر در حساب های دریافتی، PPE: دارایی های ثابت، NA: اقلام تعهدی نرمال، AA: اقلام تعهدی اختیاری و Asset: کل دارایی ها.

ب) قابلیت پیش بینی:

در این پژوهش از قابلیت پیش بینی به عنوان معیاری از مربوط بودن استفاده می شود. قابلیت پیش بینی بیشتر بیانگر مربوط بودن بیشتر گزارشات مالی می باشد. جهت اندازه گیری قابلیت پیش بینی، مدل ۴ را برآورد خواهیم نمود. ریشه دوم واریانس خطا در مدل ۴ ($\sqrt{\sigma^2(\hat{\delta}_j)}$) بیانگر قابلیت پیش بینی خواهد بود. هرچه میزان این آماره بیشتر باشد قابلیت پیش بینی کمتر و در نتیجه مربوط بودن کمتر خواهد بود.

$$X_{j,t} = \phi_{0,j} + \phi_{1,j} X_{j,t-1} + \nu_{j,t} \quad \text{مدل (۴)}$$

X: سودعملیاتی تقسیم بر تعداد سهام

ج) فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی:

جهت اندازه گیری مربوط بودن از فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی به شرح معادله ۵ استفاده خواهیم نمود. هرچه این فاصله زمانی کمتر باشد به موقع بودن بیشتر خواهد بود.

$$DT = T_{\text{issue}} - T_{\text{reporting}} \quad \text{مدل (۵)}$$

نمونه انتخاب خواهند شد که جزء بانک ها و موسسات مالی نباشند، در دوره زمانی تحقیق پذیرفته شده در بورس باشند، سال مالی آنها به پایان اسفند ختم شود و اطلاعات آن ها در دسترس باشد. شایان ذکر است با توجه به مجموعه شرایط فوق، ۲۰۳ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند که از این تعداد، ۷۷ شرکت دارای کمیته حسابرسی بودند (در این تحقیق شرکت هایی به عنوان شرکت دارای کمیته حسابرسی تلقی می شوند که تاریخ تشکیل کمیته قبل از تاریخ انتشار صورت های مالی آنان باشد). با توجه به ضرورت رویدادکاوی الزامات کنترل های داخلی، کنترل بهتر متغیرها در فاصله زمانی محدودتر و میزان اطلاعات و داده های در دسترس، برای آزمون فرضیه های تحقیق، اطلاعات سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ مورد استفاده قرار گرفته است. شایان ذکر است با توجه به نحوه اندازه گیری متغیر مربوط بودن، از اطلاعات سال های ۱۳۸۵-۱۳۸۹ نیز استفاده شده است. برای انجام پژوهش حاضر، داده های تحقیق از نرم افزار رهاورد نوین، سایت شرکت مدیریت فناوری بورس تهران و سایت کدال استخراج شده است. بعلاوه استخراج داده های مربوط به کمیته حسابرسی از گزارش مشخصات کمیته حسابرسی و واحد حسابرسی داخلی صورت گرفته است.

۵- متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه گیری آن

طبق ماده ۲ دستورالعمل کنترل های داخلی، کنترل های داخلی باید در برگیرنده سیاستها، رویه ها، وظایف، فعالیت ها و سایر جنبه هایی باشد که در مجموع، به حصول اطمینان معقول از کیفیت گزارشگری مالی کمک نماید. کیفیت گزارشگری مالی نیز در همان ماده به عنوان اطلاعات قابل اتکا، مربوط و به موقع بودن معرفی شده است. در این تحقیق، برای اندازه گیری سه مفهوم یادشده، به پیروی از بیست و همکاران (۲۰۰۹) به ترتیب از مدل اقلام تعهدی اختیاری، قابلیت پیش بینی و فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی استفاده شده است.

الف) اقلام تعهدی اختیاری:

در این پژوهش از اقلام تعهدی اختیاری به عنوان معیاری از قابل اتکا بودن استفاده می شود. اقلام تعهدی اختیاری کمتر بیانگر قابل اتکا بودن بیشتر گزارشات مالی می باشد. جهت برآورد اقلام تعهدی اختیاری از مدل جونز تعدیل شده بهره

T_{issue} : زمان انتشار صورت های مالی و $T_{reporting}$: تاریخ پایان دوره گزارشگری مالی

۶-۲- آزمون فرضیات

به منظور آزمون فرضیات اول تا سوم از آزمون مقایسه میانگین زوجی استفاده شده است. به این ترتیب نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین زوجی قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی در نگاره ۲ ارائه شده است. همانگونه که در این نگاره مشاهده می شود سطح معناداری آزمون قابلیت اتکا کوچکتر از ۵٪ (۰,۰۴۹) است. به این معنا که تفاوت معناداری در میزان قابلیت اتکا در قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی وجود دارد. بدین ترتیب فرضیه اول تایید می گردد و چون حد پایین و بالا مثبت است میانگین قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری در جامعه اول (قبل از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی) نسبت به جامعه دوم (بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی) بیشتر است. بنابراین می توان بیان نمود که تصویب الزامات دستورالعمل کنترل های داخلی موجب کاهش قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری و بالتبع بهبود قابلیت اتکا گزارشات مالی شده است. در ادامه این نگاره مشاهده می شود که سطح معناداری آزمون مربوط بودن بزرگتر از ۵٪ (۰,۳۱۹) است. به عبارت دیگر تفاوت معناداری در میزان مربوط بودن در قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی وجود ندارد و بدین ترتیب فرضیه دوم رد می گردد.

۶- نتایج پژوهش ۶-۱- آمار توصیفی

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق در نگاره ۱ نمایش داده شده است. همان گونه که در بخش اول این نگاره مشاهده می شود، میانگین قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری که شاخصی از مدیریت سود و بالتبع قابل اتکا بودن است بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی (۰,۰۸۶) نسبت به قبل آن (۰,۰۹۷) کمتر است. علاوه بر این، فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی (۶۳,۱۰۹) نسبت به قبل آن (۶۶,۰۸۶) کمتر است. طبق بخش دوم این نگاره ۱ میانگین قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری در شرکت های دارای کمیته حسابرسی (۰,۰۹۲) در مقایسه با شرکت های فاقد کمیته حسابرسی (۰,۱۱۷) کمتر است. همچنین فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی در شرکت های دارای کمیته حسابرسی کمتر (۵۷,۹۴۸) می باشد. هر چند، انحراف معیار خطای برازش سود سال جاری بر سود سال قبل، برای دو رویداد مزبور تفاوت محسوسی نداشته است.

نگاره ۱- آمار توصیفی

بخش اول	قبل دستورالعمل کنترل های داخلی			بعد دستورالعمل کنترل های داخلی		
	میانگین	میانه	انحراف معیار	میانگین	میانه	انحراف معیار
قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری	۰,۰۹۷	۰,۰۷۳	۰,۰۹۵	۰,۰۸۶	۰,۰۶۸	۰,۰۷۱
انحراف معیار خطای برازش سود سال جاری بر سود سال قبل	۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰۶	۰,۰۰۰۴	۰,۰۰۰۶
فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی	۶۶,۰۸۶	۶۱	۲۸,۱۹۵	۶۳,۱۰۹	۶۱	۲۴,۰۰۱
بخش دوم	شرکت های فاقد کمیته حسابرسی			شرکت های دارای کمیته حسابرسی		
	میانگین	میانه	انحراف معیار	میانگین	میانه	انحراف معیار
قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری	۰,۱۱۷	۰,۰۸۷	۰,۱۱۴	۰,۰۹۲	۰,۰۶۱	۰,۰۸۱
انحراف معیار خطای برازش سود سال جاری بر سود سال قبل	۰,۰۰۰۶	۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۶	۰,۰۰۰۵	۰,۰۰۰۳	۰,۰۰۰۲
فاصله زمانی انتشار صورت های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی	۷۸,۸۳۳	۷۴	۳۸,۷۷۱	۵۷,۹۴۸	۶۰	۲۲,۳۲۷

و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی وجود دارد. بدین ترتیب فرضیه سوم تایید می گردد و چون حد پایین و بالا مثبت است می توان بیان کرد میانگین فاصله زمانی انتشار

با توجه به آنچه که در نگاره ۲ ارائه شده است سطح معناداری آزمون به موقع بودن کوچکتر از ۵٪ (۰,۰۴۷) است. به عبارت دیگر تفاوت معناداری در میزان به موقع بودن در قبل

باشد که کمیته با نظارت بر فعالیت‌های مدیریت و به عنوان بازدارنده مدیریت از زیر پا گذاشتن کنترل‌های داخلی، نقش موثری ایفا نموده است (باکستر و کاتر، ۲۰۰۹).

در بخش دوم نگراره ۳ مشاهده می‌شود سطح معناداری مربوط به آزمون تساوی واریانس‌ها کمتر از سطح معنی داری ۵٪ (۰,۰۱۰) است. به این معنا که فرض برابری واریانس‌ها رد شده و اطلاعات سطر دوم برای نتیجه‌گیری در مورد میانگین مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از آنجایی که سطح معناداری آزمون تساوی میانگین با فرض عدم تساوی واریانس بیشتر از سطح معنی داری ۵٪ است (۰,۳۲۱) فرض عدم تساوی میانگین دو گروه رد شده و می‌توان گفت تفاوت معناداری در میزان انحراف معیار خطای برآزش سود سال جاری بر سود سال قبل در شرکت‌های دارای کمیته با شرکت‌های فاقد کمیته وجود ندارد. بدین ترتیب فرضیه پنجم رد می‌گردد. به عبارت دیگر وجود کمیته نتوانسته است موجب بهبود مربوط بودن گردد.

در بخش سوم نگراره ۳ مشاهده می‌شود سطح معناداری مربوط به آزمون تساوی واریانس‌ها کمتر از سطح معنی داری ۵٪ (۰,۰۰۴) است. به این معنا که فرض برابری واریانس‌ها رد شده و اطلاعات سطر دوم برای نتیجه‌گیری در مورد میانگین مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از آنجایی که سطح معناداری آزمون تساوی میانگین با فرض عدم تساوی واریانس کمتر از ۵٪ (۰,۰۰۰) می‌باشد فرض عدم تساوی میانگین دو گروه پذیرفته شده و می‌توان گفت تفاوت معناداری در میزان به موقع بودن در شرکت‌های دارای کمیته با شرکت‌های فاقد کمیته وجود دارد. بدین ترتیب فرضیه ششم تایید می‌گردد و چون حد پایین و بالا منفی است میانگین جامعه اول از جامعه دوم کوچکتر است. به عبارت دیگر فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی در شرکت‌های دارای کمیته کمتر از شرکت‌های فاقد کمیته است. بنابراین به موقع بودن در شرکت‌های دارای کمیته بیشتر است.

صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی قبل از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی در مقایسه با بعد از آن بیشتر است. به عبارت دیگر تصویب الزامات دستورالعمل کنترل‌های داخلی موجب بهبود به موقع بودن گزارشات مالی شده است.

در مجموع، با توجه به شواهد برآمده از نگراره ۲ پیرامون آزمون بهبود کیفیت گزارشگری مالی بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی (فرضیات اول تا سوم) می‌توان اظهار داشت تصویب الزامات دستورالعمل کنترل‌های داخلی موجب بهبود قابلیت اتکا و به موقع بودن گشته است اما تاثیری بر مربوط بودن نداشته است.

در ادامه، جهت آزمون فرضیات سوم تا ششم از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه شرکت‌های دارای کمیته و فاقد کمیته حسابرسی استفاده می‌شود. برای آزمون تساوی میانگین دو جامعه لازم است ابتدا بررسی شود آیا واریانس دو جامعه برابر است یا خیر. با توجه به اطلاعات مندرج در بخش اول نگراره ۳ از آنجاییکه سطح معناداری مربوط به آزمون تساوی واریانس‌ها (آزمون لوین) کمتر مساوی سطح معنی داری ۵٪ (۰,۰۵) است. به این معنا که فرض برابری واریانس‌ها رد شده و اطلاعات سطر دوم برای نتیجه‌گیری در مورد میانگین مورد تحلیل قرار می‌گیرد. از آنجایی که سطح معناداری آزمون تساوی میانگین با فرض عدم تساوی واریانس کمتر از ۵٪ (۰,۰۲۷) می‌باشد فرض عدم تساوی میانگین دو گروه پذیرفته شده و می‌توان گفت تفاوت معناداری در میزان قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های دارای کمیته با شرکت‌های فاقد کمیته وجود دارد. بدین ترتیب فرضیه چهارم تایید می‌گردد و چون حد پایین و بالا منفی است میانگین جامعه اول از جامعه دوم کوچکتر است. بنابراین میزان قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های دارای کمیته کمتر از شرکت‌های فاقد کمیته است. به عبارت دیگر قابلیت اتکا در شرکت‌های دارای کمیته بیشتر و در نتیجه می‌توان گفت وجود کمیته موجب کاهش مدیریت سود و بهبود قابلیت اتکا گردیده است. این نتایج می‌تواند حاکی از این ادعا

نگاره ۲- نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین زوجی قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی

هدف مالی	معیار اندازه‌گیری	sig	آماره t	حد پایین	حد بالا
قابل اتکا بودن (قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری)		۰,۰۴۹	۱,۹۷۸	۰,۰۰۰۴	۰,۰۲۲
مربوط بودن (انحراف معیار خطای برآزش سود سال جاری بر سود سال قبل)		۰,۳۱۹	۱,۰۰۰	-۰,۳۰۸	۰,۹۴۱
به‌موقع بودن (فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی)		۰,۰۴۷	۲,۰۰۱	۰,۰۴۱	۵,۹۱۳

بین هیئت مدیره شرکت، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی و ناشی از نقش نظارتی آن بر فرآیند گزارشگری مالی باشد.

این نتایج حاکی از آن است که وجود کمیته توانسته است فرآیند انتشار صورت‌های مالی را تسریع بخشد. این امر می‌تواند ناشی از نقش کمیته حسابرسی در ایجاد ارتباط مناسب

در مجموع، با توجه به مندرجات نگاره ۳ پیرامون آزمون بهبود کیفیت گزارشگری مالی ناشی از وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌ها (فرضیات چهارم تا ششم) می‌توان اظهار داشت وجود کمیته موجب بهبود قابلیت اتکا و به موقع بودن گشته است اما تاثیری بر مربوط بودن نداشته است.

نگاره ۳- نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه شرکت‌های دارای کمیته و فاقد کمیته حسابرسی

بخش اول- قابل اتکا بودن (قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری)					
آزمون t			آزمون لوین		
حد بالا	حد پایین	sig	آماره t	sig	آماره F
-۰,۰۰۰۷	-۰,۰۶۰	۰,۰۴۴	-۲,۰۲۳	۰,۰۵۰	۳,۹۰۴
-۰,۰۰۳	-۰,۰۵۷	۰,۰۲۷	-۲,۲۲۸		
بخش دوم- مربوط بودن (انحراف معیار خطای برآزش سود سال جاری بر سود سال قبل)					
۰,۸۱۷	-۰,۱۷۱	۰,۱۹۹	۱,۲۸۹	۰,۰۱۰	۶,۸۲۵
۰,۹۶۶	-۰,۳۲۱	۰,۳۲۱	۱,۰۰۰		
بخش سوم- به موقع بودن (فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی)					
-۱۱,۳۲۶	-۳۰,۴۴۵	۰,۰۰۰	-۴,۳۰۸	۰,۰۰۴	۸,۵۹۶
-۱۲,۴۲۶	-۲۹,۳۴۵	۰,۰۰۰	-۴,۸۶۸		

نگاره ۴- ماتریس بارهای عاملی

بخش اول		قبل دستورالعمل	بعد دستورالعمل
		کنترل‌های داخلی	کنترل‌های داخلی
قابل اتکا بودن (قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری)		۰,۵۶۵	۰,۷۴۸
مربوط بودن (انحراف معیار خطای برآزش سود سال جاری بر سود سال قبل)		۰,۸۰۴	۰,۷۳۹
به موقع بودن (فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی)		۰,۶۲۶	۰,۰۴۹
بخش دوم		شرکت‌های فاقد کمیته حسابرسی	شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی
قابل اتکا بودن (قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری)		۰,۱۹۷	۰,۷۱۹
مربوط بودن (انحراف معیار خطای برآزش سود سال جاری بر سود سال قبل)		-۰,۲۶۸	۰,۶۸۳
به موقع بودن (فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی)		۰,۹۶۳	۰,۴۳۸

۳-۶- آزمون‌های اضافی

خطای برآزش سود سال جاری بر سود سال قبل و فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی قبل از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی به ترتیب، ۰,۵۶۵، ۰,۸۰۴ و ۰,۶۲۶ می‌باشد. همچنین این ارقام برای بعد از دستورالعمل کنترل‌های داخلی به ترتیب ۰,۷۴۸، ۰,۷۳۹ و ۰,۰۴۹ می‌باشد. در روش تحلیل مسیر، برای تجمیع معیارها، بارهای عاملی مورد اشاره، به عنوان ضرایب معادله در نظر گرفته می‌شود و در نتیجه معیار ترکیبی، محصول حاصل ضرب بارهای عاملی در هر معیار خواهد بود. نگاره ۴، ارقام مربوط به

از آن‌جا که هر یک از معیارهای قابل اتکا بودن، مربوط بودن و به موقع بودن منعکس‌کننده بخشی از سازه کیفیت گزارشگری مالی هستند، این سه معیار در یک شاخص واحد تجمیع و اثر تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی و تشکیل کمیته حسابرسی از منظر این شاخص نیز مورد تحلیل حساسیت قرار گرفت. برای تجمیع این سه شاخص، از تحلیل مسیر و بارهای عاملی استفاده شده است. مطابق با نگاره ۴، بارهای عاملی قدرمطلق ارقام تعهدی اختیاری، انحراف معیار

از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی نسبت به بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی بیشتر و در نتیجه کیفیت گزارشگری مالی کمتر است. به این ترتیب می توان بیان نمود که تصویب الزامات دستورالعمل کنترل های داخلی موجب بهبود کیفیت گزارشگری مالی شده است.

نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین معیار ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی شرکت های دارای کمیته و فاقد کمیته حسابرسی در نگاه ۶ مشاهده می شود. طبق این نگاه سطح معناداری مربوط به آزمون تساوی واریانس ها بیشتر از سطح معنی داری ۵٪ (۰,۵۳۱) است. به این معنا که فرض برابری واریانس ها تایید شده و اطلاعات سطر اول برای نتیجه گیری در مورد میانگین مورد تحلیل قرار می گیرد. از آنجایی که سطح معناداری آزمون تساوی میانگین با فرض تساوی واریانس کمتر از ۵٪ (۰,۰۰۰) می باشد فرض عدم تساوی میانگین دو گروه پذیرفته شده و می توان گفت تفاوت معناداری در میزان کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های دارای کمیته با شرکت های فاقد کمیته وجود دارد. با توجه به اینکه حد پایین و بالا منفی است میانگین جامعه اول از جامعه دوم کوچکتر است. به عبارت کیفیت گزارشگری مالی در شرکت های دارای کمیته بیشتر از شرکت های فاقد کمیته است.

شرکت های دارای کمیته حسابرسی و فاقد کمیته حسابرسی را نیز ارایه نموده است. نکته قابل تامل در بخش دوم نگاه ۴، تغییر علامت بارعاملی مربوط به انحراف معیار خطای برازش سود سال جاری بر سود سال قبل می باشد که از ۰,۲۶۸- به ۰,۶۸۳ تغییر نموده است. علامت منفی معیار مزبور برای شرکت های فاقد کمیته حسابرسی حاکی از آن است که در شرکت های فاقد کمیته حسابرسی، سازه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر که نتیجه تجمیع سه معیار است به بهای کاهش مربوط بودن قابل دستیابی می باشد. به طور مشابه، تغییر علامت معیار مزبور برای شرکت های دارای کمیته حسابرسی نشان دهنده آن است که در شرکت های دارای کمیته حسابرسی، سازه کیفیت گزارشگری مالی بالاتر، بدون صرف نظر کردن از مربوط بودن قابل دستیابی می باشد.

نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین زوجی معیار ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی در قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی در نگاه ۵ ارائه شده است. همانگونه که در این نگاه مشاهده می شود سطح معناداری کوچکتر از ۵٪ (۰,۰۰۰) است. به این معنا که تفاوت معناداری در میزان کیفیت گزارشگری مالی در قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی وجود دارد. از طرفی حد پایین و بالا مثبت می باشد بنابراین میانگین این معیار ترکیبی قبل

نگاره ۵- نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین زوجی قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل های داخلی (معیار ترکیبی)

حد بالا	حد پایین	آماره t	sig	معیار ترکیبی کیفیت گزارشگری مالی
۲,۱۰۹	۱,۸۶۰	۳۱,۴۲۴	۰,۰۰۰	

نگاره ۶- نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه شرکت های دارای کمیته و فاقد کمیته حسابرسی (معیار ترکیبی)

آزمون t		آزمون لوین		تساوی واریانس
حد بالا	حد پایین	sig	آماره F	
-۱,۷۵۱	-۲,۴۵۸	۰,۰۰۰	-۱۱,۷۵۰	۰,۳۹۴
-۱,۶۶۰	-۲,۵۵۰	۰,۰۰۰	-۹,۳۹۹	۰,۵۳۱
				عدم تساوی واریانس

۷- نتیجه گیری و بحث

شرکت را منعکس نمی کند و ممکن است منجر به ارائه اطلاعات نادرست و کاهش کیفیت گزارشگری مالی در مورد شرکت شود و در نتیجه باعث قضاوت نادرست سهامداران و سرمایه گذاران در مورد عملکرد شرکت شود. بنابراین، برای یک سازمان، وجود یک مکانیسم حاکمیت شرکتی اثربخش برای حفاظت از حقوق سرمایه گذاران در دستیابی به اطلاعات

با توجه به این که صورت های مالی اطلاعات مربوط و با ارزشی را برای گروه های برون سازمانی فراهم می کند، اتکالی شدید بر اعداد حسابداری و به ویژه سود، انگیزه های قدرتمندی را برای مدیران ایجاد می کند تا سود را به نفع خودشان دستکاری کنند. مدیریت سود، الزاماً عملکرد واقعی

درست و منصفانه در مورد شرکت حیاتی است. متخصصین از کنترل‌های داخلی به عنوان قلب نظام حاکمیت شرکتی یاد می‌کنند. کمیته حسابرسی نیز به عنوان یکی از ارکان اصلی نظارت بر کنترل‌های داخلی همواره مورد توجه بوده است. هدف این تحقیق، با توجه به نوظهور بودن و تجربه اندک بحث کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی و کمیته‌های حسابرسی در کشور، بررسی آثار مزبور جهت بهبود و اصلاح مقررات مرتبط می‌باشد. در این راستا این تحقیق با بکارگیری روش‌شناسی رویدادکاوی اقدام به بررسی تحقق اهداف الزامات کنترل‌های داخلی مرتبط با گزارشگری مالی که شامل قابل اتکا، مربوط و به‌موقع بودن می‌باشد می‌نماید.

طبق یافته‌های این تحقیق، تفاوت معناداری در میزان قابل اتکا و به‌موقع بودن در قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی وجود دارد. بطوریکه میانگین قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری قبل از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی در مقایسه با بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی بیشتر است. بنابراین می‌توان بیان نمود که تصویب الزامات دستورالعمل کنترل‌های داخلی موجب بهبود قابلیت اتکا گزارشات مالی شده است. همچنین میانگین فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی قبل از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی نسبت به بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی بیشتر است. به عبارت دیگر تصویب الزامات دستورالعمل کنترل‌های داخلی موجب بهبود به‌موقع بودن گزارشات مالی شده است. در این راستا تفاوت معناداری در میزان مربوط بودن (قابلیت پیش‌بینی) در قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی مشاهده نشد.

علاوه بر نتایج حاصل از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه مستقل نشان داد که تفاوت معناداری در میزان قابل اتکا و به‌موقع بودن در شرکت‌های دارای کمیته با شرکت‌های فاقد کمیته وجود دارد. میزان قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری در شرکت‌های دارای کمیته کمتر از شرکت‌های فاقد کمیته است. به عبارت دیگر قابلیت اتکا در شرکت‌های دارای کمیته بیشتر است. در نتیجه می‌توان گفت وجود کمیته موجب کاهش مدیریت سود گردیده است. فاصله زمانی انتشار صورت‌های مالی از پایان دوره گزارشگری مالی در شرکت‌های دارای کمیته نیز کمتر از شرکت‌های فاقد کمیته است. بنابراین به‌موقع بودن در شرکت‌های دارای کمیته بیشتر است. این نتایج سازگار با یافته‌های چین چانگ و لیان شان (۲۰۰۹) و کریشنان و همکاران (۲۰۱۱) می‌باشد. در نهایت تفاوت معناداری در میزان قابلیت پیش‌بینی در شرکت‌های دارای

کمیته با شرکت‌های فاقد کمیته مشاهده نشد. به این معنا که وجود کمیته نتوانسته است موجب بهبود مربوط بودن گردد. این امر ممکن است ناشی از این امر باشد که مطابق با تایید فرضیه اول و چهارم، الزامات کنترل‌های داخلی با کاهش مدیریت سود و در نتیجه افزایش قابل اتکا بودن بسیاری از گزارش‌های مالی، نوسان‌های سود را افزایش داده است. چنانچه این تحلیل مطابق با واقعیت باشد، انتظار می‌رود در شرکت‌های یادشده، قابلیت پیش‌بینی و مربوط بودن در سال‌های بعد بهبود یابد. این نکته می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی قرار گیرد. علاوه بر نتایج بالا، یافته‌های مرتبط با تحلیل مسیر و بارهای عاملی حاکی از آن است که در شرکت‌های فاقد کمیته حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر به بهای کاهش مربوط بودن قابل دستیابی می‌باشد در حالی که در شرکت‌های دارای کمیته حسابرسی، کیفیت گزارشگری مالی بالاتر، بدون صرف‌نظر کردن از مربوط بودن قابل دستیابی می‌باشد. این یافته‌ها می‌تواند به طور کلی فعالان بازار سرمایه و به طور خاص اعضای هیئت مدیره شرکت‌ها را که در زمره مخاطبین اصلی دستورالعمل قرار دارند، به تقویت کمیته‌های حسابرسی و استقرار کامل کنترل‌های داخلی ترغیب نماید. چرا که هر چه گزارشگری مالی قابل اتکاتر و به‌موقع‌تر باشد، ریسک قانونی اعضای هیئت مدیره کمتر، رضایت عمومی سهامداران بیشتر و پاداش‌های آنان بالاتر خواهد بود.

فهرست منابع

- * رحیمیان، نظام‌الدین و توکل نیا، اسماعیل، (۱۳۹۰)، تاثیر کمیته حسابرسی بر فعالیت‌های حسابرسی داخلی، حسابدار رسمی، شماره ۲۸، ۶۶-۷۵.
- * سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱، دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران.
- * سازمان بورس اوراق بهادار، ۱۳۹۱، منشور کمیته حسابرسی ناشران پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران.
- * محمدیان، محمد، (۱۳۹۰)، نقش و روابط حسابرس، کمیته حسابرسی و هیئت‌مدیره در پاسخگویی به سهامداران، مجله حسابرس، شماره ۵۶، ۷-۱.
- * Abernathy J L, Herrmann D, Kang T, Krishnan G V.(2013) Audit committee financial expertise and properties of analyst earnings forecasts. *Advances in Accounting, incorporating Advances in International Accounting* 29. 1-11.

- * Forker J.J. (1992) Corporate governance and disclosure quality. *Accounting and Business Research* 22: 111-124.
- * Ghosh, A., Marra, A. and Moon, D. (2010), Corporate boards, audit committees, and earnings management: pre and post-SOX evidence. *Journal of Business Finance & Accounting*, 37, pp. 1145-1176.
- * He L., Wright S., Evans E. and Crowe S. (2007) Earnings management in Australia under new ASX corporate governance guidelines. Working paper (Macquarie University, North Ryde, N.S.W.).
- * Ismail, H., Iskandar, T.M. and Rahmat, M.M. (2008), Corporate reporting quality, audit committee and quality of audit, *Malaysian accounting review*, Volume 7 No. 1.
- * Johnson, J.L., Daily, C.M. and Ellstrand, E.E. (1996). "Board of Directors: A Review and Research Agenda", *Journal of Management*, 22, 409-438.
- * Kamarudin K A, Ismail W A, Samsuddin M E. (2012) The Influence of CEO Duality on the Relationship between Audit Committee Independence and Earnings Quality. *Social and Behavioral Sciences* 65 .919 – 924.
- * Lary, A.K. and Taylor, D.W. (2012). Governance characteristics and role effectiveness of audit committees. *Managerial Auditing Journal*, 27, pp. 336-354.
- * Menon, K. and Williams, J. (1994). "The Use of Audit Committees for Monitoring", *Journal of Accounting and Public Policy*, 13: 121-139.
- * Piot, C. and Janin, R. (2007). External auditors, audit committees and earnings management in France. *European Accounting Review*, 16, pp. 429-454.
- * Rainsbury E A Bradbury M Cahan S F (2009) The impact of audit committee quality on financial reporting quality and audit fees, *Journal of Contemporary Accounting & Economics* 5 .20-33.
- * Rich, K. T. (2009). Audit Committee Accounting Expertise and Changes in Financial Reporting Quality . phd dissertation. Department of Accounting and the Graduate School of the University of Oregon.
- * Xie, B., Davidson, W.N., and DaDalt, P.J. (2003) "Earnings Management and Corporate Governance: The Role of Board and The Audit Committee", *Journal of Corporate Finance*, 9, 295-316
- * Baxter, P. and Cotter, J. (2009). Audit committees and earnings quality. *Accounting and Finance*, 49, pp. 267-290.
- * Beest, F., Braam, G. and Boelens, S. (2009), Quality of Financial Reporting: measuring qualitative characteristics, Working Paper, Nijmegen Center for Economics.
- * Brick, I.E. and Chidambaran, N.K. (2010). Board meetings, committee structure, and firm value. *Journal of Corporate Finance*, 16, pp. 533-553.
- * Braiotta, L. and Zhou, J. (2006). An exploratory study of the effects of the Sarbanes-Oxley Act, the SEC and United States Stock Exchange(s) rules on audit committee alignment. *Managerial Auditing Journal*, 21, pp. 166-190.
- * Bronson, S. N., Carcello, J. V., Hollingsworth, C. W. and Neal, T. L. (2009). Are Fully Independent Audit Committees Really Necessary Account. *Public Policy*, 28, pp. 265-280.
- * Chang, J. C. and Sun, H.L. (2009), Crossed-listed foreign firms' earnings informativeness, earnings management and disclosures of corporate governance information under SOX, *The International Journal of Accounting*, Vol. 44, pp.1-32.
- * Chen, J., Duh, R. and Shiue, F.N. (2008). The effect of audit committees on earnings-return association: evidence from foreign registrants in the United States. *Corporate Governance: An International Review*, 16, pp. 32-40.
- * Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission, 1992, Internal Control Integrated Framework.
- * Dhaliwal D., Naiker V. and Navissi F. (2006) Audit committee financial expertise, corporate governance and accruals quality: an empirical analysis. Working paper (University of Arizona).
- * Davidson, W.N. III, Xie, B. and Xu, W. (2004). "Market Reaction to Voluntary Announcements of Audit Committee Appointments: The Effect of Financial Expertise", *Journal of Accounting and Public Policy*, 23(4): 279-91.
- * Dechow, P., Sloan, R., Sweeney, A., (1996). Causes and consequences of earnings manipulation: an analysis of firms subject to enforcement actions by the SEC. *Contemporary Accounting Research* 13, 1-36.
- * Dey, A. (2008). "Corporate Governance and Agency Conflicts", *Journal of Accounting Research*, 46(5), 1143-1181.
- * DeZoort, F.T., Hermanson, D.R., Archaibeault, D.S., and Reed, S.A. (2002). "Audit Committee Effectiveness: A Synthesis of the Empirical Audit Committee Literature", *Journal of Accounting Literature*, 21, 38-75.
- * Felo, A., Krishnamurthy, S. and Solieri, S. (2003) Audit Committee Characteristics and the Perceived Quality of Financial Reporting: an Empirical Analysis, Working Paper, Pennsylvania State University, SUNY at Binghamton and University of Scranton.